



گفتگو با چهار تن از پژوهشگران شرکت کننده در گردهم آیی باستان‌شناسی ایران در شوش

دورهم گرد آورد و میان آنان انس و الفت صمیمانه و همفکری و اتحاد علمی در جهت پیشبرد امر مطالعات فرهنگ و تاریخ ایرانی ایجاد کند.

اینک چهار نفر از بانوان پژوهشگر و باستان‌شناس را از میان جمع پژوهشگران و باستان‌شناسان شرکت‌کننده در گردهم آیی برگزیده‌ایم تا در مورد دانش و تجارب علمی خود مطالبی را در میان گذارند. البته به عمد خواستیم تا برای این گفتگوها از میان بانوان شرکت‌کننده کسانی را انتخاب کنیم.

مقدمه: در شان ۱۳۷۷ منظور گردید و از آنجای که

این مکان بنا به اطلاع‌های عهده به عنوان سازمان نخستین گردهم آیی باستان‌شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی که در شهر شوش خوزستان برگزار گردید، فرصت میمون و مغتنمی بود تا بسیاری از باستان‌شناسان و پژوهشگران ایرانی را در یک محوطه باستانی کشور به

گفتگو با: فخری دانشپور پرو



تأثیر متقابل هنر ایران و چین

فخری دانشپور پرو دارای درجه فوق لیسانس باستان‌شناسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و فوق لیسانس «تاریخ هنر چین و ژاپن» از دانشگاه تایوان است. وی علاوه بر تحصیل در دوره فوق لیسانس، در دانشگاه ملی چین نیز استاد درس زبان فارسی و عربی بوده است. حاتم دانشپور پرو پس از بازگشت از چین در سال ۱۳۵۶ به دعوت مرکز باستان‌شناسی ایران (سابق) با هیأت کاوش جزیره هرمز به همکاری پرداخت و مسئولیت کارگاه چینهای جزیره هرمز را به عهده گرفت. پس از بازگشت از این حفاری در دانشگاه تهران استخدام شد و از آن زمان تا امروز در گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران سرگرم تدریس است. ایشان دروس تاریخ هنر هند، تاریخ هنر نقاشی در ایران و تاریخ عمومی هنر را در دوره لیسانس و درس هنرهای اسلامی مشرق زمین را در دوره فوق لیسانس تدریس می‌کند.

آنچه در زیر خواهد آمد حاصل گفتگوی پرسشگر مجله با آنان است.

قدم گذاشتن در دنیای خاموش و پر رمز و راز گذشته، پرده برداشتن از چهره زندگی‌های بیاد فنا رفته و کاویدن دل خاک سرد، برای شناخت تمدنهای کهن، کاری است سترگ که دلی پرشور و صبر و حوصله فراوان طلب می‌کند؛ اینک در این وادی صعب و سخت که سر و کار تو با آثار و اشیای بی‌جان است، زنانی جستجوگر که عاشق کار خویش هستند قدم گذاشته‌اند که بی‌احساس خستگی به قلب اعصار و قرون راه بگشایند و از آثار برجای مانده از انسانهای گذشته به چند و چون زندگی‌هایی که روزگاری بود و دیگر نیست پی‌برند. به زوایای تاریک تاریخ انسان ایرانی راه یابند و به بسیاری از مجهولات و معضلات در زمینه تاریخ و باستان‌شناسی ایران پاسخ مناسب پیدا کنند.

ما در این شماره گفتگویی داریم با دو تن از زنان باستان‌شناس، نا ضمن اطلاع از نظرات آنان در زمینه کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی، با شیوه‌های کار میدانی و نیز فعالیت‌های علمی آنان آشنا شویم.

ارتباط تجاری، فرهنگی و سیاسی بین ایران و چین طبق مدارک موجود به زمانهای چینی و فارسی از دوره «هان» (۲۲۰ - ۲۰۶ میلادی) که با اختلاف چند سالی همزمان با دوره اشکانی ایران است، آغاز شده است. البته دامنه این آشنایها و مراودات می‌بایستی فراتر از دوره «هان» باشد که در اینجا مجال صحبت درباره آن نیست. راههای خشکی و دریایی باعث پیوند فرهنگی و هنری بین دو کشور گردیده و آنها را باور و مستحکم نمود.

جاده ابریشم از دوره «هان» در زمان سلطنت «اوو» - دی (UVOO DI) ۱۴۰ - ۸۷ پ.م با فرستادن اولین پیک و سفیر به نام «جانگ - چین» (Jang chin) به کشورهای غرب چین گسترش یافت و راه دریایی از قرن هشتم میلادی پهنه الهانوس و دریاهای اطراف آن کرده و به مبادلات تجاری و هنری شکوفایی و سرعت بیشتری بخشید.

از طریق راههای فوق است که هنرهای باستانی در دو کشور کهن سال ایران و چین به طور مستقیم و حتی غیر مستقیم و یا به صورت انتقال فکر و اندیشه بر یکدیگر اثر گذاشته است.

در دوره «هان» طبق تداوم ستهای پیشین چین، در حین تدفین، مجسمه‌های گلی، لوازم شخصی و وسایل زندگی را همراه با مرده به خاک می‌سپردند که در اصطلاح چینیان این وسایل را «اشیای مقبره‌ای» می‌نامیدند.

در حفاریهایی که در چین انجام شده، باستان‌شناسان به دو مقبره مربوط به همین دوره برخورد کردند که در داخل آنها علاوه بر اشیای مقبره‌ای، تخته سنگهایی وجود داشت که روی آنها با نقوش برجسته حجاری شده بود. نظیر این یافته‌ها به اضافه مجسمه یک شیر سنگی تاکنون در چین و در قبور دوره‌های قبل از «هان» مشاهده نشده است. نقوش غالباً شامل: جنگها، صحنه‌های شکار، ملاقاتها و تصاویری از اسبان و غیره بوده است.

طبق نظر باستان‌شناسان پیدا شدن چنین سبکی به یک اندیشه و فکری مربوط می‌شود که از خارج به داخل چین راه یافته است. اغلب نقوش حجاری شده در چین زمانی بوجود آمده که این کشور با دولت اشکانی ایران در حال ارتباط

وی رساله خود را به زبان چینی و با عنوان «روابط تجاری، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و هنری بین ایران و چین» تهیه و تألیف کرد. ضمناً ایشان در جریان برگزاری گردهم آیی باستان‌شناسی سخنرانی ارزشمندی درباره مبادلات تجاری و فرهنگی میان ایران و چین ارائه داد. ایشان در کارهای اخیر جزیره هرمز به عنوان عضو افتخاری شرکت داشت.

خانم دانشپورپرور مقالاتی نیز به زبانهای چینی و فارسی چاپ و منتشر ساخته است. همچنین مدت چهار سال مدیر گروه آموزشی باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بوده است. از خانم دانشپورپرور خواستیم تا در مورد تأثیر متقابل هنر ایران و چین توضیح بیشتری بدهد و ایشان اظهار داشت:

یکی از عوامل ارتباط بین دو فرهنگ که سبب تأثیر و انتقال اندیشه هنری شده است مبادله کالا و امور بازرگانی است.



سیاسی و بازرگانی بوده است و نقشها هم مربوط به همین دوره یعنی سده‌های یکم و دوم میلادی هستند.

اسباهای متقوش در روی این تخته سنگها برخلاف اسبان مغولی و چینی، اسبانی بلند قامت و کشیده هستند که یادآور اسبان فرغانه و باکتریا (Bacteria) می‌باشند. یعنی سرزمین‌هایی از آسیای مرکزی که خود زیر نفوذ فرهنگ و تمدن مستقیم ایران قرار داشتند.

وی سپس به موضوع حجاری و نقوش برجسته در ایران اشاره کرد و گفت: حجاریها و نقوش برجسته در ایران و بین‌النهرین نیز دارای سابقه طولانی است، البته موضوعات نقوش و سبک کار تخته سنگهای مکتوفه ربطی به موضوعات ایرانی و بین‌النهرینی ندارد ولی آن چیزی که باعث به وجود آمدن این سبک نوین در چین شده است، اندیشه حجاری و کار هنرمندانه روی سنگ است که احتمالاً از اشکانتیان بازرگان الهام گرفته شده است.

ضمناً وجود مجسمه شیر در یکی از گورها روشن کننده ارتباط پر دامنه ایران اشکانتی و چین است. این حیوان به هیچ وجه در چین زندگی نمی‌کرد و در نوشته‌های قبل از «هان» ذکری از شیر نشده است و چینیان تا قبل از دوره یاد شده شیر را هرگز ندیده بودند.

بنابراین در این سرودات، شیر بهترین هدیه‌ای بوده که از طرف پادشاه اشکانتی به دربار «هان» (خه - دی) (Han - Khe - Di) ۱۰۶ - ۸۹ پیش از میلاد (یکی از امپراتوران سلسله هان) فرستاده می‌شود. این حیوان به قدری در دربار مورد توجه فغفور و درباریان قرار می‌گیرد که هنرمندان را تشویق به ساختن مجسمه‌ای از روی آن می‌نمایند. از این زمان به بعد است که هنرمندان نقش شیر را در نقاشیها، روی پارچه‌ها و سفالیته‌ها و دیگر آثار هنری وارد می‌سازند. جالب اینکه چینی‌ها کلمه شیر فارسی را، «سی - ج» می‌نامند. امروزه دو نوع نمایش به صورت رقص حیوان در

جشنها و اعیاد چینیان اجرا می‌شود؛ یکی رقص اژدها و دیگری رقص شیر است که در آن اژدها و شیرهای پارچه‌ای را تزئین کرده و به رقص درمی‌آورند.

وی در ادامه همین بحث افزود: این حیوان در مفاهیم سمبلیک چین مظهر قدرت و نیرومندی است و در هنرها اغلب با فیل او را نشان می‌دهند. ضمناً فیل هم سمبل وقار و شوکت است.

در بین هدایای امپراتور اشکانتی به چینیان یک پرنده که به نام «پرنده اشکانتی» معروف شده و یک شتر مرغ نیز بوده است. نقشی از این پرنده بزرگ در هنر دوره «هان»، تاکنون دیده نشده است ولی در عصر سلسله «تانگ» (Tang) ۹۰۷-۶۱۸ میلادی، در یکی از قبور فغفوران این دوره نقش دو شتر مرغ به دیوار آرامگاه کشیده شده است. این حیوان نیز بومی چین نبوده و احتمال دارد که هنرمندان نقشی از این حیوان را از دوره قبل در دسترس داشتند. شکوفاترین ارتباط بین ایران و چین مربوط به دوره ساسانی ایران و «تانگ» چین است که هنرها شدیداً بر یکدیگر الهام و تأثیر می‌بخشند.

خاتم دانشپورپرور سپس در مورد مجسمه‌های سفالینی که با الهام از صورت و لباس مردم آسیای مرکزی و ایران در چین کشف شده صحبت کرد و گفت:

در این دوره در چین، درون مقابر علاوه بر مجسمه‌های سستی ساختن چین، مجسمه‌های سفالینی قرار می‌دادند که غالب آنها از نظر شکل و فرم و نوع پوشش و لباس، چینی نیستند و بیشتر آنها با لباسهای مشهور سه رنگ «تانگ» تزئین شده‌اند. فرم لباسها و صورتها شبیه قیافه و لباسهای مردمان آسیای مرکزی و ایران است. جالب اینکه لباسهای سه رنگ «تانگ» بر روی ظروف نیشابور قرن چهارم هجری ایران با تکنیک لعاب پاشیده اثر گذاشته است.

اقتباس دیگر ایران از چین ساخت نوعی ظروف سفید یکرنگ است که در دوره «تانگ» چین به وفور ساخته می‌شد.



مغولی ایران موضوعات نفوذی چین مثل نقوش: ابر، آب، حیوانات افسانه‌ای (ازدها - سیمرغ)، چهره‌های زرد پوستی، درختان گره‌دار چینی و موضوعات بودایی و غیره رواج می‌یابد. در مورد ظروف آبی و سفید دورهٔ مینگ (Ming) ۱۶۴۴-۱۳۶۸ میلادی که همزمان با دو دورهٔ تیموری و صفوی در ایران است باید گفت که رنگ آبی به کار رفته در یک دورهٔ خاص در هنر «مینگ» از ایران به چین صادر شده است و به همین سبب است که چینیان این ظروف را به اسم «آبی محمدی» می‌خوانند. چون رنگ آبی از یک کشور مسلمان به چین رفته است.

در زمان صفوی هنرمندان این دوره اقتباس بسیار زیبایی از نظر شکل و نقوش روی جیبهای چین کردند، به طوری که در حفاری اخیر اسفند ۷۲- فروردین ۷۳ در جزیرهٔ هرمز که به سرپرستی خانم فاطمه گریبی در قلعهٔ تاریخی هرمز انجام شد و من هم به همراه باستان‌شناسان سازمان میراث فرهنگی کشور کار می‌کردم، شاهد پیدا شدن مقادیر زیادی ظروف شکسته چینی ساخت دورهٔ صفوی ایران بودم که همراه با قطعات ظروف چینی ساخت چین به دست می‌آمد.

استاد دانشجو پرورد در پایان به نفوذ فرهنگ فارسی و عربی در چین اشاره کرد و گفت: اوج نفوذ فرهنگ فارسی و عربی در چین مربوط به دورهٔ «یوان» سلسلهٔ مغولی چین است و اشعار فارسی و عربی و کلمات پند آمیز و دعای خیر نوشته شده بر روی ظروف چینی دورهٔ «مینگ» از نظر هنر نویسندگی و همبستگی اشعار و نقوش بسیار جالب توجه است. این ظروف غالباً سفارشی بوده و برای مسلمانان ساخته شده است و هنرمندان چینی با قلم‌موهای ظریف خود خطوط فارسی را به طور ناقصی تقلید کرده‌اند، همانطور که نوشته‌های چینی کف پایه بعضی از ظروف ساخت چین در دورهٔ صفوی مورد تقلید هنرمندان ایرانی قرار گرفته است.

بعضی از ظروف و سفالینه‌های دورهٔ «تانگ» چین را باستان‌شناسان در سامرا، شوش، فسطاط مصر و بندر سیراف (طاهری) از زیر خاک بیرون آورده‌اند و هنرمندان مناطق فوق از آنها در آثار هنری خود بهره و الهام گرفته‌اند.

یکی از هنرهای مهم دورهٔ ساسانی نقوش سروارید شکل و روبانهای موج‌دار است که غالباً در آثار این دوره یافت می‌شود. نقوش فوق ابتدا «امیان افغانستان» را تحت تأثیر قرار داد و از این راه وارد آسیای مرکزی و ترکستان چین گردید. سپس هنرهای چینی را به خصوص در استفاده از نقوش پرندگان قرینه در کادرهای مرواریدی و نقش حیوانات بر روی پارچه‌های ابریشم اثری جذاب بخشید. البته نقوش فوق از راه مبادلات بازرگانی همراه با آثار هنری به چین رفته است.

روبانهای موج‌دار بر روی یکی از ظروف نقره‌ای چین به گردن اسیبی رقصنده گره خورده است و همچنین به گردن گوزنی که در روی یک قطعهٔ فلز زینتی تزئین شده است.

تأثیر نقوش ایرانی در سفالینه‌های چین:

از استاد دانشجو پرورد در مورد تأثیر نقوش ایرانی در سفالینه‌های چین سؤال کردیم و ایشان پاسخ داد: تقلید سفالینه‌های چین از روی آثار نقره‌ای ساسانی، هنر چینی این دوره را متحول ساخت. نقاشیهای ساتوی ایران که توسط ایغورها در ترکستان چین حمایت می‌شد، مربوط به سدهٔ ۸ میلادی است که در «تورفان» ناحیه «خوشو» (Khosho) کشف شده است. در این منطقه هنر ایران و چین با هم تلفیق شده و هنر «ایران - چین» را به وجود آورد. در دورهٔ اسلامی ایران، از نظر فرم سفالینه‌ها و نقوش و نقاشیهای مینیاتوری هر دو کشور اثری مستقیم بر یکدیگر داشته‌اند. در نقاشیهای دوره